

مسائل و مطالبات مردم طهران در اسناد عرایض عهد ناصری (۱۳۰۱-۱۳۰۳ هـ ق)

مریم نیل قاز^۱

سینا فروزش^۲

رضا شعبانی صمغ آبادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

چکیده

بررسی ساختارهای اجتماعی ایران در هر دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این بین دسترسی به اسناد یکی از مؤثرترین روش‌های پژوهش، جهت دستیابی به واقعیت‌های هر زمان شناخته شده است و اسناد عرایض به عنوان گروهی از اسناد تاریخی که از امور زندگی، روابط میان مردم و جامعه و حکومت سخن می‌گوید و هر سطر از آن به زندگی اجتماعی مردم می‌پردازد، برای پژوهشگران از امتیاز خاصی برخوردار است. هدف پژوهش حاضر شناخت مشکلات و مسائل اجتماعی مردم طهران طی نزدیک به سه سال از سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است که در اسناد عرایض مورد بررسی، منعکس گردیده است؛ این اسناد، شامل عرایض مردم طهران بین سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ هجری قمری می‌باشد. روش تحقیق در این پژوهش، انجام کار تصحیح مجموعه خطی بر اساس علم نسخه‌شناسی (Codicology) و سپس تحریر مقاله مبتنی بر نسخه تصحیح شده بر اساس روش تاریخی (استقرائی) است. شیوه تدوین و نگارش مقاله نیز به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. استخراج اطلاعات و داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی صورت گرفته است. بررسی این اسناد نشان می‌دهد رعیت، آزادانه و با کمترین ترسی، مطالبات و مسائل خود را با شخص اول مملکت مطرح می‌کرده‌اند. داده‌های عرایض نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف اجتماعی، عموماً از آزادی بیان و آزادی‌های مذهبی برخوردار بودند و در این زمینه دغدغه یا نگرانی وجود نداشته است. حفظ امنیت و برپایی عدالت، همچون گذشته تاریخ ایران، حلقه مفقوده در دوره مورد بررسی بوده است؛ با این تفاوت که شخص شاه، شخصاً و رأساً، درصدد حل مسائل و مشکلات گروه‌ها و طبقات اجتماعی ممالک محروسه ایران برآمده است.

کلیدواژه‌ها: طهران، عریضه، ناصرالدین شاه، مسائل، مطالبات اجتماعی.

^۱ - دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (m.nilghaz@yahoo.com)

^۲ - دانشیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ - استاد گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

در میان اسناد دولتی، آن مقدار اسنادی که در ارتباط با شهرها تنظیم می‌شود از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. دلیل آن هم این است که برای غالب این شهرها تاریخی در دست نیست و در بسیاری موارد تنها همین اشارات موجود در اسناد است که می‌تواند برای شناخت وضعیت اجتماعی، تاریخی، سیاسی و اقتصادی شهرها به ما کمک نماید و چون از بین طبقات مختلف جامعه از جمله روحانیون، تجار، صنعتگران، منورالفکرها و حتی تهیدستان شهری و روستایی نوشته شده و هر کدام در فضای خاصی مطالبات خود را مطرح نموده‌اند و این مطالبات شامل تقاضای آنها برای اصلاح و آبادانی منطقه خود، شکایت از وضعیت حقوقی، دشواری‌های اداری ایجاد شده بر آنها در محل کار، اختلافات ارضی، آب و بسیاری دیگر از مسائل می‌باشد که از متن توده‌های مردم برخاسته، گرچه ممکن است در بسیاری اوقات همراه با اغراق بوده و یا حتی محکمه‌پسند نباشد اما با این حال مشتمل بر اطلاعات بی‌نظیر و منحصر به فردی است که می‌تواند برای شناخت تاریخ و جغرافیای مملکت سودمند باشند.

در دوره ناصری، شاه، شخصا، به عرایض رسیدگی می‌کرد (معیرالممالک، ۱۳۶۴، ص ۷۷) چنانچه در خاطرات خود نیز بارها به این موضوع اشاره کرده است. (ناصرالدین شاه قاجار ۱۳۸۹: ۲۱ و ۱۰۲) هرچند که در نوشتن این عریضه‌ها، شئون و آداب درباری و حکومتی رعایت نمی‌شده و بر روی کاغذهای معمولی رقم خورده، اما شاه در حاشیه همان کاغذها، دستور رسیدگی صادر می‌کرده است. اکثر این نامه‌ها توسط افراد عادی و یا کم سواد نوشته می‌شده‌اند، لذا دارای ضعف نگارشی و املائی‌اند و برخی از نوشته‌ها نیز چندان مفهوم نیستند. پاسخ و دستخط شاه در حاشیه اکثر نامه‌ها دیده می‌شود. مجموعه عرایض حاوی اطلاعات سودمندی درباره وضع کشور در دوره ناصری است. این عرایض یا به صورت مستقیم به دست شاه می‌رسید، یعنی زمانی که بار عام می‌داد و یا زمانی که به شکار می‌رفت و در ارتباط مستقیم با مردم بود و یا از طریق افراد مورد اعتماد پادشاه (مانند ملیچک دربار، طولوزان پزشکی دربار، اعتمادالسلطنه و...) که بیشتر وقت خود را با پادشاه می‌گذراندند، وصول می‌شد. (عبد امین، ۲۰۵: ۱۳۹۷).

از آنجا که اسناد عرایض، منابع تاریخی دست اولی هستند که محتوای آنها روشن کننده ابعاد مبهم تاریخ اجتماعی طبقات پایین جامعه است و جزئیات ارزشمندی از زندگی عامه مردم را در اختیار

مخاطب می‌گذارد، این مقاله سعی دارد به تشریح و تحلیل محتوای عرایض مردم طهران در عهد ناصری بپردازد و با تحلیل این اسناد که مربوط به دوره زمانی ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۳ هـ ق است به این پرسش پاسخ دهد که اهم مسائل و مطالبات مردم طهران، به عنوان دارالخلافه ناصری، چه بوده است؟ از آنجایی که تحقیق از نوع اکتشافی بوده است، فرضیه‌ای برای مسأله متصور نیست.

۲-۱- پیشینه تحقیق

کتاب نامه های به ناصرالدین شاه کتابی است در زمینه عرایض در زمان ناصرالدین شاه که مجید عبد امین نگاشته است و بخشی از آنها شکایات امین‌السلطان و بخشی دیگر شکایات مقامات حکومتی بوده که به دست امین‌السلطان به شاه رسیده‌اند.

افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار کتابی است تألیف فریدون آدمیت و هما ناطق که شامل فصول مهمی است در تاریخ افکار، تاسیسات سیاسی و اقتصادی جدید و حرکت اجتماعی ایران در سده گذشته. پایه این کتاب بر منابع منتشر نشده‌ای بنا شده است که عبارتند از: اندرزنامه‌ها، جزوه‌های سیاسی، رسالات برخی نویسندگان اجتماعی، اسناد رسمی، مجموعه های مدارک طبقه تجار و عرض حال طبقات عامه و... روش کتاب در بررسی این منابع و مدارک این است که در طرح هر مبحث ضمن طرح بحث کمی موارد، آرای صاحب‌نظران و طبقات مردم را نیز در ارتباط با نظام سیاسی و مسائل اجتماعی و اقتصادی قرن گذشته آورده است. همچنین در دوره‌های بعد، به‌ویژه زمان مشروطه، به‌صورت موضوعی، درباره برخی از عریضه‌ها کار شده است.

اما در نگارش این مقاله، مهمترین منبع مورد استفاده، مجموعه اسناد عرایض دوره ناصرالدین شاه مربوط به سالهای ۱۳۰۱-۱۳۰۳ هـ ق، نسخه خطی شماره ۱۳۰۸۷ موجود در مخزن نسخ خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی است که این نسخه به صورت تک جلد بوده و از آن عنوان نسخه صندوقی یاد می‌شود و خود شاه در پایین عریضه‌ها پاسخ داده است. در این پژوهش کوشش شده براساس تحلیل محتوای عرایض مردم طهران به ناصرالدین‌شاه، به اهم مسائل و مطالبات مردم دارالخلافه که ناچار به گزارش آن به شخص اول مملکت شده‌اند، پرداخته شود؛ هدف این است که با بررسی مشکلات و مطالباتی که در این عرایض مطرح شده است، بتوان گوشه‌ای تاریک از زوایای تاریخ اجتماعی طهران عهد ناصری را روشن ساخت.

۳-۱- روش انجام تحقیق

در انجام این تحقیق، کار تصحیح مجموعه خطی بر اساس علم نسخه‌شناسی (Codicology) انجام گرفته است و سپس بر طبق نسخه خطی، تحریر مقاله بر اساس روش تاریخی (استقرائی) انجام گرفته است. شیوه تدوین و نگارش مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد. استخراج اطلاعات و داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی با ابزار فیش‌برداری از اسناد و کتب و مقالات و سایر متون چاپی گردآوری شده است و مورد تجزیه و تحلیل کیفی قرار گرفته است.

۲- مروری اجمالی بر وضعیت طهران در عصر ناصری

طهران در گذشته بسیار دور قریه‌ای کوچک بود. این قریه در نزدیکی شهر ری قرار داشت که شهری آباد بود. یاقوت حموی درباره طهران نوشته است: «از آنجا که قریه نامبرده بر سر راه شهر ری قرار داشته و قافله‌ها و کاروان‌ها از آن می‌گذشتند، طهران کانون و مرکز چپاول و غارتگری بوده و راهزنانی که در این قریه می‌زیستند، این کاروانها را مورد دستبرد و غارت قرار می‌دادند». (یاقوت حموی، ۱۳۴۷: ۸۲)

طهران از عهد صفویه ترقی و پیشرفت خود را آغاز کرد و سرانجام در زمان آقامحمدخان قاجار (۱۲۱۰-۱۲۱۱ هـ ق) طهران به عنوان پایتخت انتخاب شد. ترسیم نقشه شهر طهران و اشاره به علت انتخاب دارالخلافه برای آن از سوی ناصرالدین‌شاه به قصد مقابله با عثمانی‌ها از دیگر اطلاعات تاریخی شهر طهران است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۵۶۷/۱-۱۵۶۶/۱)

در دوران ناصری چون برج و باروهای عصر صفوی شهر را محدود کرده بود، ناصرالدین شاه، میرزا یوسف مستوفی‌الممالک صدراعظم و میرزا عیسی وزیر را مامور کرد با کمک یک مهندس فرانسوی نقشه پایتخت را گسترش دهند. (کریمان ۲۵۳۵: ۲۲۲-۲۳۶)

پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ هـ ق) دوران آبادانی و توسعه گسترده پایتخت ایران به شمار می‌رود. طهران در عهد ناصری شامل شش محله به نام‌های سنگلج، عودلاجان، بازار، ارگ سلطنت، چاله میدان و چاله حصار بوده است. ارگ سلطنتی طهران، یادگار دوران صفویه است. در سال ۱۲۶۷ هـ ق به دستور امیرکبیر، حصار ارگ تجدید بنا شد و کوچه‌های آن برای حرکت کالسکه و ارابه آماده گردید. (ذکاء، ۱۳۴۹: ۲۱)

میدان‌های معروف شهر طهران در آن زمان، میدان توپخانه یا ارگ بود که دارای دو دروازه و در بزرگ بود و نقاره‌خانه درست جنوب ارگ قرار داشت. جلوی نقاره‌خانه روی سکوئی بزرگ توپ مروارید را مستقر ساخته بودند. میدان امین‌السلطان (از تأسیسات ابراهیم‌خان امین‌السلطان، پدر میرزا علی اصغرخان اتابک)، میدان بهارستان، میدان سر قبرآقا، میدان مال فروش‌ها و میدان گمرک از میدان‌های مهم شهر طهران بودند. (نجمی ۱۳۶۴: ۲۴۰-۲۴۷)

طهران برای خرید و فروش و فعالیت‌های اقتصادی مراکزی داشت که از آن جمله می‌توان به بازارها، بازارچه‌ها و گذرها اشاره کرد. از نمونه‌های آن می‌توان به بازار مسگرها، بازار لب خندق و بازار مرغی‌ها اشاره کرد. بازارهای کوچک را «بازارچه» و بازارهای بی‌سقف را «گذر» می‌گفتند. شمار بازارچه‌ها و گذرهای پراکنده در سطح شهر بسیار بود؛ یاکوب پولاک پزشک اتریشی مقیم تهران در این باره می‌نویسد: «پیش از این بازار و کاروانسراها تنگ و کوتاه بود تا آنکه در زمان وزارت میرزا تقی‌خان بازار وسیع امیر با کاروانسراهایش ساخته شد. وسایل و اثاث آن مجلل است، حیاطها و باغچه‌ها همه بزرگ و باشکوه ساخته شده‌اند و پس از قصر سلطنتی دیدنی‌ترین چیز سراسر شهر به شمار می‌رود، بازارهای دیگر از نظر زیبایی در درجات بعد قرار دارد، به دنبال این بازار ساخته شده‌اند یا در خیابان‌های دورتر واقعند.» (پولاک، ۱۳۶۱: ۶۶)

گورستان‌ها در عهد ناصری در داخل شهر بود، از جمله می‌توان به گورستان میدان حسن‌آباد اشاره کرد که نزدیکترین گورستان به محلات مرکزی بود و علاوه بر اینکه اختصاص به دفن مردگان داشت تقریباً گردشگاهی هم برای بعضی از مردم و خانواده‌های اطراف بود. حمل‌ونقل در طهران آن روزگار بیشتر به کمک وسایلی چون واگن اسبی، کجاوه، کالسکه، ارابه و اسب صورت می‌گرفت. (نجمی، ۱۳۶۴: ۲۸۶)

در این دوره، بهداشت وضع مطلوبی نداشت، چندپزشک فرنگی یا تحصیل کرده در فرنگ طبابت می‌کردند که کم‌وبیش مورد توجه طبقه ممتاز و اعیان جامعه بود، از میان آنها می‌توان به دکتر طولوزان و دکتر فوریه اشاره کرد که هر دو در استخدام ناصرالدین‌شاه بودند. البته امیرکبیر اقدامات مؤثری جهت بهبود وضع بهداشت طهران انجام داد، از آن جمله آبله‌کوبی کودکان و توجه به امر جمع‌آوری زباله، دیوار کشیدن دور یخچال‌ها و سر پوشیده کردن نه‌رها بود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۰۵۲/۲-۱۰۵۶/۲)

مطالب روزنامه وقایع اتفاقیه مشحون از پیداشدن آگاهی‌های تازه درباره رابطه آلودگی آب و محیط زیست شهری با شیوع بیماری‌های واگیردار و کوشش برای رعایت بهداشت عمومی است. تأسیس بیمارستان و دواخانه به سبک جدید و تأسیس دارالفنون را می‌توان توسعه عملی طب دانست. پولاک، اولین معلم طب دارالفنون، در سفرنامه‌اش می‌نویسد که اولین بیمارستان در سومین سال اقامت وی در طهران به‌وسیله خود وی ایجاد شد. در ۱۲۹۰ هـ ق دومین بیمارستان نیز به همت اعتضادالسلطنه، وزیر علوم، نزدیک میدان مشق ساخته شد. اعتمادالسلطنه گزارش می‌دهد که مجلس حافظ‌الصحه در دارالخلافه به ریاست نواب والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم در کمال نظم دایر است. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸: ۱۷۸۷)

حفظ امنیت طهران و مردم پیش از پیدایش نیروی منظم پلیس، با مأمورانی به نام محتسب، عسس و داروغه بود که زیر نظر اداره‌ای به نام «احتسابیه» فعالیت می‌کردند. (نجمی، ۱۳۶۴: ۳۷۵)

ریشه بسیاری از نهادها و موسسات مدرن امروزی در دوره ناصری قرار دارد؛ گرچه بسیاری از نهادها در زمان ناصری نتوانستند به بلوغ برسند ولی شروعی برای تحولات آینده بودند. از نخستین این نهادها «مجلس امرای جمهور» بود که پس از مرگ محمد شاه، با صلاح‌الدین مادر ولیعهد، مهد علیا که در واقع سمت نایب السلطنه داشت تشکیل شد و وظیفه آن رسیدگی به امور مملکتی و بحث و مشورت درباره آن بود. تصمیم این مجلس برای تصویب به مهدعلیا اعلام می‌شد. (هدایت، ۱۳۸۵: ۸۳۹۴)

با رسیدن ناصرالدین شاه به تهران و تعیین امیرکبیر به صدرات، اعضای مجلس امرای جمهور نیز پراکنده شدند و پرونده مجلس امرای جمهور بسته شد و این مجلس به فراموشی سپرده شد. (مستوفی، ۱۳۶۰: ص ۶۶)

اما مهم‌ترین رهاورد ناصرالدین شاه از سفر فرنگ تشکیل «مشورت‌خانه» و «صندوق عدالت» بود. سفرهای ناصرالدین شاه به اروپا سبب شده بود که طرز تفکر و اندیشه و عقایدش تغییر کند و دست به اصلاحاتی بزند. پس از بازگشت ناصرالدین شاه از اولین سفر اروپا (۱۲۹۹ هـ ق) (۱۸۸۱ م) وی اقدام به برقراری صندوق عدالت کرد. در این سفر، همه‌جا، به شاه گفته شده بود که همه ترقیات ممالک اروپا به دلیل وجود امنیت و عدالت است که آن نیز به دلیل وجود قانون است. این چنین قانونی به معنی محدود شدن اختیارات و آزادی‌های افراد، حتی پادشاه بود و شاه نیز به دلیل خوی استبدادی حاضر به قبول چنین قانونی نبود، ولی خواهان اجرای نمادین آن بود تا در ظاهر نشان دهد که به اجرای عدالت و برقراری امنیت در کشور اهمیت می‌دهد. (دامغانی، بی تا: ۹۵) با نصب این

صندوق، مردم شکایات، عرایض و تقاضاهای خود را به آن حواله می‌دادند. در بین نامه‌ها و عرایض ریخته شده در این صندوق بعضا شوخی و حتی فحش و ناسزا نیز دیده می‌شود. صندوق عدالت، به دلیل خودکامگی درباریان و حکام و از طرفی نیز جدی تلقی نشدن از سوی مردم، بعد از مدت کوتاهی از تاسیس آن به فراموشی سپرده شد، اما ارسال عرایض و تظلمات مردم در طی سالیان بعد که پاسخ‌گویی دربار و بعضا حکام را در پی داشت، تداوم یافت. عرایضی که در مجلس تحقیق مظالم مورد بررسی قرار گرفته است، در فاصله سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۶ هجری قمری به این مجلس رسیده است. اغلب عرایض از ولایات و ایالات و بیشتر از سوی رعایا بوده است. «در مورد طبقه تجار نمی‌توان عریضه درخور توجهی دید که این امر می‌تواند به دو دلیل عمده بوده باشد: اول اینکه شکایت و نارضایتی تجار، دیگر در نارضایتی عامه مردم جمع نمی‌شد و دیگر اینکه طبقه تجار، مجلس مخصوص به خود داشتند که شکایت و دعاوی خود را به آن ارجاع می‌دادند.» (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۴۰۲)

حکام ایالت زمانی که مشاهده کردند رعیت برای بیان شکایت و خواسته‌های خود به سوی تهران رهسپارند و یا اینکه عرایض خود را به پستخانه‌ها می‌برند تا به پایتخت ارسال کنند، دست به کار شدند. آنها تلاش خود را به کار بردند تا از فرستادن شکایت مردم به پایتخت جلوگیری کنند و حتی سعی می‌کردند تا محموله‌های پستی را برابیند و حتی اگر کسی مانع می‌شد با او برخورد فیزیکی سختی انجام می‌دادند. زمانی که شاه از این موضوع آگاه شد دستوری صادر کرد مبنی بر آن که با برخوردکنندگان «مواخذه شدید به عمل آورند. رعیت در عرض حال خود آزاد باشد.» (همان، ۳۹۵؛ بیانی، ۱۳۱: ۱۳۷۵)

دیگر اقدام شاه، ایجاد «مشورت‌خانه بزرگ دولتی» بود که در آن کلیه امور مملکتی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. اعضای مشورت‌خانه مرکب بودند از وزیران و تعدادی از شخصیت‌ها و رجال برجسته دولتی و... که کلیه این اعضا حق داشتند درباره موضوعات مختلف، عقاید خود را اظهار کنند و با استقلال کامل، مسائل و امور را مورد بحث و بررسی قرار دهند. منشور مربوط به تشکیل این شورای مهم به ابتکار و انشای شخص شاه تهیه گردید. (نجمی، ۱۳۶۴: ۱۱۱)

از دیگر اقدامات ناصرالدین‌شاه از سفر دوم فرنگ، استخدام یک افسر اتریشی به نام «کنت دو مونت فورت» برای ایجاد تشکیلات در شهر طهران بود. وی در گزارش به شاه پیشنهاد کرد که می‌تواند با ۴۰۰ نفر پیاده و ۶۰۰ نفر پلیس سواره، امنیت طهران را تأمین نماید. پس از تدارک مقدمات در ۱۶ ذی‌قعدة ۱۲۹۵ هـ ق تابلوی نخستین شهربانی طهران با عنوان «اداره جلیله پلیس دارالخلافة» بر سر

عمارتی واقع در ابتدایی خیابان باب همایون نصب گردید. در آن زمان حفظ نظم و امنیت و کار جمع‌آوری زباله و نظافت شهر، هر دو برعهده این تشکیلات قرار گرفت. (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۲: ۵۳)

اقدام دیگر ناصرالدین‌شاه در طهران، پس از سفر دوم به فرنگ، چراغ گاز بود که توسط کارشناسی به نام «فابیوس بوتال» (Fabius Boital) راه‌اندازی شد. تا قبل از آن، روشنایی خیابان‌های طهران، در طول شب با فانوس‌های فتیله‌ای و پیه‌سوز تأمین می‌شد. وسیله روشنایی خانه‌ها نیز با چراغ‌هایی چون لتتر، لامپا و شمعدان، پیه‌سوز، فانوس و چلچراغ بود. (جواهرکلام، ۱۳۵۷: ۱۳۲)

امین‌الملک (میرزا علی خان امین الدوله) که شوق داشت پدیده‌های نوین اروپا در پایتخت ایران رایج شود، یک موتور تولید گاز از فرنگستان وارد کرد. این کارخانه تنها روشنایی میدان توپخانه و شماری از خیابان‌های اطراف ارگ، مانند ناصریه و علاءالدوله را تأمین می‌کرد و طرز کارش چنین بود که گاز حاصل از حرارت دادن زغال‌سنگ، در دیگ‌های مخصوص به‌وسیله لوله‌های زیرزمینی به فانوس‌های مخصوص که بر پایه چراغ‌های چدنی ساخت کارخانه چدن‌ریزی دارالخلافه در مجمع‌الصنایع ارگ نصب شده بود، هدایت گردید. با تاریک شدن هوا، شماری چراغ‌چی با میله‌های مشعل فانوس‌ها را یک به یک روشن می‌کردند. این کارخانه چندان دوام نیافت، زیرا تهیه زغال‌سنگ و گاز لازم در ایران آسان نبود. (همان: ۱۳۲)

روابط انسانی و اجتماعی مردم دارالخلافه ناصری، بسیار اصیل و سنتی و بر مبنای اخلاق، عواطف و تعاون استوار بوده است. مناسبات میان افراد و خانواده و معاشرت دوستان و اهل محل صمیمانه و بسیار گرم و بر اساس دوستی و محبت خویشاوندی بوده است. برخی مراسم و آیین‌های رایج در میان مردم مانند نوروز، نذری‌پزان، شب یلدا و... از جمله گردهمایی‌های شادی بوده است. (نجمی، ۱۳۶۴: ۴۷۷)

عادت به نوشیدن چای یکی از عادات و رسوم جدیدی بود که در دوره ناصری و در اثر ارتباط با غرب میان طبقات ایران رواج یافت و در تمام خانه‌ها از شهری و روستایی رواج یافت. اگرچه پیش از این چای وارد ایران شده بود، اما اختصاص به خاندان سلطنتی و بزرگان داشت. (نوربخش، ۱۳۸۱: ۱۰۷۷/۲)

قهوه‌خانه‌ها محل گردآمدن مردان و نوشیدن چای بود و در هریک از قهوه‌خانه‌های طهران عصر قاچار یک یا چند گروه از اصناف تجمع می‌کردند. علاوه بر اصناف، گروه‌هایی از لوطیان، تبهکاران، شیره‌ای‌ها، دراویش و... نیز در قهوه‌خانه‌ها جمع می‌شدند برای مثال در قهوه‌خانه‌های محله چاله‌میدان بیشتر تبهکاران قرار داشتند. (سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹: ۱۶۲)

زورخانه‌ها و مراسم رایج در آن، پهلوان‌ها و آیین‌های پهلوانی از دیگر موضوعات اجتماعی آن عصر می‌باشد. لوطیان، تشکیلاتی بودند از جریان نیرومند عیاری که هنوز در برخی از آنان رگه‌هایی از ارزشهای پهلوانی چون شجاعت، وفاداری، پاکدامنی و حفاظت از محله و شهر اهمیت داشت. اعضای این گروه می‌کوشیدند بر طبق مرام جوانمردی زندگی کنند. هر کس برای دستیابی به امتیاز جوانمرد می‌بایست به حمایت از ضعیف و مخالفت با ستم‌گرا برافرازد، به وعده خود وفا کند و به راستی سخن گوید. البته در جوار این گروه از لوطیان، تعداد قابل توجهی به فساد گراییده و با از دست دادن ارزشهای اخلاقی به عنوان ابزار نیرومند اصحاب قدرت در منازعات سیاسی و مذهبی به خدمت گرفته می‌شدند. (مستوفی، ۱۳۶۰: ۴۴۵)

از مهم‌ترین شخصیت‌های این دوره همانا خود ناصرالدین‌شاه است که طهران در زمان وی تولدی تازه یافت. از دیگر شخصیت‌های مهم آن دوره امیرکبیر است که از شاگردان مکتب قائم‌مقام فراهانی بوده است. از جمله افرادی که نقش مهمی در اداره یا تحول طهران در آن زمان داشته‌اند، حسنعلی‌خان گروسی، علیقلی‌خان، پسر رضاقلی هدایت که با تأسیس تلگرافخانه به لقب مخبرالدوله نایل و وزیر تلگراف شد. از رخدادهای اجتماعی آن عصر هم می‌توان از بلوای نان، اعدام کلانتر پایتخت، قحطی عمومی دارالخلافه، تأسیس بانک شاهی و واقعه رژی نام برد.

۳- مسائل و مشکلات مردم طهران در عصر ناصری

تظلم خواهی به شکل شفاهی آن ریشه در ایران باستان و تاریخ اساطیری دارد، اما عریضه‌نویسی به عنوان صورت مکتوب تظلم خواهی از دوره ناصری در ایران شکل گرفت و بعدها در دوران مشروطه تحت عنوان «کمیسیون عرایض» در مجلس شورای ملی به شکل نهادی قانونی درآمد.

عریضه‌جات، به معنای درخواست‌ها و مستدعیات کوچک‌تران از بزرگ‌تران و عرایض به معنای شکایت، مطالب و سخنان است. «بدین ترتیب عریضه‌نگاری یا عریضه‌نویسی، عمل و شغل عریضه‌نویس است؛ آن که معمولاً برای دیگران و خطاب به مقامی رسمی یا شخصیتی مهم، عریضه می‌نویسد.» (انوری، ۱۳۸۱: ج ۵/۵۰۱۰)

عرایض متضمن مسائل مختلفی است که گریبانگیر مردم بوده است و چون این مسائل از طرق عادی امکان رفع و رجوع نمی‌یافت و نیز به دلیل عدم شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اداری، صاحبان عرایض به ناچار به پادشاه پناه می‌بردند. پادشاه یا خود مستقیماً به آن‌ها پاسخ می‌داد، یا

شاهزادگان و حکام و سایر مقامات را وادار به پاسخ‌گویی به صاحب عریضه می‌کرده است. این اسناد را طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی نوشته و در هر کدام شکوائیه‌ها و مطالبات خاص خود را مطرح می‌کردند. مصادیق و محتوای عرایض مردم طهران در عهد ناصری را بر اساس کثرت شکایات می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود:

۱-۳- شکایت از ظلم و تعدی عوامل حکومتی

شکایت از کارگزاران حکومتی از جمله مواردی بوده که شکایات فراوانی را موجب می‌شده است. به علاوه به علت وجود حرم حضرت عبدالعظیم و سنت بست‌نشینی، تعداد زیادی از عرایض مربوط به تظلمات اشخاص و گروه‌هایی است که در آنجا بست نشسته و با فرستادن عریضه به شاه درخواست رسیدگی کرده‌اند، از جمله موارد ذیل از موارد شکایات از عوامل حکومتی ذکر شده در عرایض طهران بود:

الف) شکایت از فراشان حکومتی: در دوران قاجار، در طهران، مشاغلی وجود داشت که متصدیان آن باید حتما از درباریان و رجال عهد باشند. از جمله فراشان حکومتی، کلمه فراش و فراشی، ابتدا برای جاروب‌کشی، آب‌پاشی و نظافت وضع شده بود؛ اما پس از مدتی به دلیل آنکه دسته جاروب برای تنبیه کردن بدنی مورد استفاده قرار گرفت، به تدریج در اذهان این گونه جا افتاد که فراشی به فردی گفته می‌شود که وظیفه‌اش آن است تا خلافکاران را به مجازات برساند و واقعیت هم همان بود. فراشان دربار، نماینده و مظهر قهر و غضب سلطنت به شمار می‌آمدند. برخی از فراش‌باشی‌ها ملقب به حاجب‌الدوله بودند به این معنا که فراشان دیگر باید تحت فرمان وی قرار می‌گرفتند. معروف‌ترین فراش طهران، «حاج علی حاجب‌الدوله» بود که مأمور قتل امیرکبیر شد.

ب) تقاضای عزل نایب‌الحکومه طالقان

ج) شکایت از عدم توجه ماموران حکومتی چون احتساب‌الملک، قوام‌الدوله، نصیرالدوله و مشیرالدوله به عرایض حاجی جعفر ملابری

در عریضه‌ای که بستی‌های طالقانی نسبت به عدم اجرای حکم پادشاه، در خصوص عزل نایب ظالم طالقان نوشته‌اند، آمده است که: «حضرت عبدالعظیم- بستیه‌های طالقانی: پنج ماه است از تعدیات نایب طالقان متظلم هستیم در همه‌جا عرض و ثابت کردیم از دو نفر مجتهد طالقان تصدیق خواستند تصدیق نمودند حکم همایون بعزل او صادر شد اما بعضی از حواشی اخلال در اجرای امر ملوکانه دادند تمام شدیم استدعا آنکه امری نافع نافذ فرمایند که موجب استخلاص این بیچارگان از ستمکاران شود.

[تحشیه و پاسخ:] نصرالدوله این امر را اصلاح کند.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۳۳۲) نکته جالب‌تر آنکه در این سند به تأثیر شهادت و تأیید ظلم‌های نایب طالقان، توسط دو نفر از مجتهدان طالقان، در صدور حکم شاه که عزل و برکناری وی بود، اشاره شده است.

در عریضه دیگری، فردی ساکن قریه کن از ظلم و تعدی مباشرین وزیرنظام در مطالبه «زیاده از مالیات دفتر» به پادشاه نوشته است که: «عارضین قریه کن: از تعدیات پنجساله مباشرین جناب وزیر نظام عارض شده بودم حسب‌الامر رسیدگی بجناب امین‌السلطان رجوع شد تا فرستاد الان نزد وزیرنظام رفتیم و لازمه تضرع و تظلم بجا آوردم جز فحش و تعبیر حاصلی نبود لهذا ثانیاً به حضرت عبدالعظیم پناه آورده استدعا آنکه مقرر شود با دعاگویان موافق دستورالعمل معمول داشته تعدی را موقوف دارند. [تحشیه و پاسخ:] از امین‌السلطان استعلام نمایم که چه کرده است و وزیر نظام چه میگوید که زیاده از مالیات دفتر مطالبه می‌نماید.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۸۴۴)

«حضرت عبدالعظیم - میرزا اسدالله ولد حاجی میرزا عبدالله منشی: با وجود آنکه پدرم خدمات نمایان بدولت کرد و جان و مال خود را در راه دولت خرج نمود بعد از فوت او بهیچوجه بذل مرحمتی از جانب سنی‌الجوانب همایون درباره این پیر غلام مبذول نشد و فقط مایه گذران من و سی نفر عیال مرحوم پدرم بچند پارچه املاک است که ارثاً بمن رسیده است این اوقات چند نفر اشرار ملک مرا بزور حکومت اجاره نموده‌اند و هر روز خرابی بملک من وارد می‌آورند و عمّا قریب کلاً از حیز انتفاع خواهد افتاد و من با یکمشت عیال پریشان بنان شب محتاج خواهیم شد استدعا آنکه امر و مقرر فرمایند که ملک خانزاد را بخودم رد نمایند و متعرض من نباشند. [تحشیه و پاسخ:] بزور حکومت چه طور میشود ملک کسی را اجاره کرد حاکم بمرافعه شرعیه قطع و وصول نماید.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۷۳۴)

۲-۳- دعاوی مربوط به مالکیت

املاک خالصه شامل املاک و اراضی می‌شد که مالکیت و حق بهره‌وری از عایدات آن در اختیار شاه و حکومت مرکزی قرار داشت و غالباً به صورت اجاره در اختیار زارعان قرار می‌گرفت و یا در شکل تیول به افراد لشکری و کشوری واگذار می‌شد. املاک خالصه در دوران ناصرالدین‌شاه به طرق مختلف

به دست آمده بود؛ املاک وسیعی از طریق سلاطین گذشته، به‌ویژه از دوره صفویه به بعد، در اختیار حکومت قرار داشت که با نوساناتی دامنه خالصگی آنها تا دوره ناصری ادامه یافته بود. بخشی دیگر از این املاک آنهایی بودند که به دلیل جنگ‌های داخلی قرن دوازدهم هجری قمری و کشته شدن اغلب حاکمان و خاندان‌های اشرافی آن جنگ‌ها و در نتیجه بدون وارث ماندن آنها، آقامحمدخان آنها را ضبط کرده بود. از سوی دیگر سیاست توسعه‌طلبانه مصادره املاک، به‌ویژه املاک وقفی، از سوی نادرشاه به میزان قابل توجهی به این اراضی افزوده بود. این اراضی تا دوره ناصری به رغم تلاش‌های دوره محمدشاه در بازگرداندن املاک غصبی نادرشاه به صاحبانش در تصاحب حکومت مرکزی باقی مانده بود. (شاهدی، ۱۳۷۶: ۵۲-۵۱)

برخی از این املاک خالصه را سلاطین خریده بودند نظیر املاک خالصه مازندران و استرآباد که آقامحمدخان آنها را خریداری کرده و ضمیمه خالصجات قدیم کرده بود. البته در غالب موارد مالکان اجباراً این اراضی را با قیمت نازلی به شاه و حکومت مرکزی می‌فروختند و گاهی هم در زیر فشارهای مضاعف مأموران حکومتی، جز بخشش و هبه املاک خود به شاه چاره دیگری نداشتند. در برخی موارد به دلیل شیوع آفات زراعی و قحط سالی و سایر بلاها که باعث می‌شد مالکان و زارعان مزروعی خود را ترک بگویند. حکومت مرکزی این املاک را برای افزودن به املاک خالصه ضبط و مصادره می‌کرد، چنان‌که در زمان فتحعلیشاه و جانشینش محمدشاه در حومه اصفهان و در دوره ناصری در سیستان و بلوچستان بر این منوال بود. تحصیل اراضی خالصه معمولاً از طریق مصادره صورت می‌گرفت و دامنه اجحاف و تعدی به حدی بود که برخی از صاحبان املاک برای رهایی از تجاوزات مأموران حکومت و حفظ اراضی‌شان «املاک خود را وقف اولاد» می‌نمودند (همان، ۵۴)

در این رابطه، میرزا هدایت‌الله طیب از سیدصادق نامی، به خاطر عدم پرداخت بخشی از قرضش، به پادشاه عارض شد و نوشت: «شاهزاده عبدالعظیم - عارض میرزا هدایت‌الله طیب: از مرحوم آقاسید صادق مبالغی طلب داشتم هزار تومان به اسم خمس قرض دارند و بقیه را بعضی نوشته به خط و مهر خودشان سپردند و بعضی را از خانه‌های مسکونی خودشان کرده‌اند. استدعای احقاق حق دارم.» (مجموعه عریض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ش ص ۲۵)

در سند دیگری، محمدابراهیم نیاورانی، از نزدیکان و اطرافیان وزیر امور خارجه وقت (محمود خان ناصرالملک قراگوزلوی همدانی) که مانع وصول عرضش به وزیر می‌شدند، به پادشاه عریضه نوشت تا

مبلغ قیمت قطعه ملکی را که پدرش به وزیر فروخته بود، اما به خاطر مرگ نابهنگامش دریافت نکرده بود، به وی و خانواده‌اش برگردانند: «شاهزاده عبدالعظیم - عارض محمدابراهیم پسر حاجی علی معمار نیورانی: پدرم مشهدی موسی سیزده سال قبل قطعه ملکی به جناب وزیر امور خارجه فروخته به بیست و چهار تومان و قبل از وصول تنخواه آن پدرم تصدق خاکپای همایون شد چون خانزاد حقیر و صغیر و قصیر بودیم نتوانستیم از عهده عرض و اخذ آن برآییم امسال خدمتشان عرض شد موقوف به تصدیق حاجی سیدمرتضی داشتند تصدیق او هم گرفته شد معهذاً یک دو نفر از حواشی وزارت مانع از وصول عرض به ایشان بشود که خود و سه نفر عیال در شرف تلفیم. [تحشیه و پاسخ]: عریضه را پیش جناب وزیر فرستند جواب بخواهند.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۵۳)

۳-۳ - تقاضای احقاق حق

در دوره ناصری، عدم شکل‌گیری نهادها و ساختارهای اداری و عدم وجود امنیت جانی و مالی عریضه‌نویسان از سوی حاکمان محلی و مهم‌تر از همه توجه و پیگیری شخص شاه به مطالبات و تقاضاهای مردم موجب می‌شد تا آنان عریضه‌های خود را به شخص اول مملکت یعنی، ناصرالدین‌شاه، تقدیم کنند و از طریق وی خواستار احقاق حقوق از دست رفته خود در رابطه با مرافعات محلی باشند. عرایض به صورت فردی یا جمعی ارسال می‌شد. معمولاً نویسنده عریضه برای نشان دادن صدق عرایض خویش، استشهادهای هم به نام پیوست می‌کرد که این استشهادهای پر بود از مهر و امضای اهالی، ریش‌سفیدان و حتی مهر مخصوص کخدای محل. وجود انبوهی اثر انگشت به جای امضا در عریضه‌ها نشان از سطح سواد مردم منطقه دارد. نمونه این عرایض، عریضه‌ای از طهران از میرزا هدایت‌الله حکیم است که بواسطه نوشتن عریضه خواستار احقاق حق خود توسط شاه شده است: «طهران - عارض حاجی میرزا هدایت‌الله حکیم است: خانه چاکر را مرحوم آقا سیدصادق مجتهد اجاره کرده بودند مبالغی از وجه اجاره بواسطه رفتن چاکر بمکه معظمه باقی مانده بود که آقا مرحوم شدند بعد از ورود چاکر بدارالخلافة مطالبه وجه اجاره شد که یا بدهند یا خانه چاکر را تخلیه کنند نه اجاره میدهند و نه خانه را خالی میکنند عریضه چندی قبل بخاکپای مبارک روحفاده عرض کردم دستخط []^۴ لفظ صادر شد که جناب مشیرالدوله احقاق نمایند تاکنون هرچه آنها را بدیوانخانه عدلیه اعظم

۴. یک کلمه ناخوانا

احضار کرده‌اند حاضر نشده‌اند استدعا دارم احقاق حق این پسر دعاگو را از ورثه مرحوم آقاسیدصادق بخواهند. [تحشبه و پاسخ: مشیرالدوله احقاق حقوق مردم لازم است البته بدون عذر و بهانه احقاق حق نماید] (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۳۴۵)

۴-۳- مالیات و مقرری

در دوره ناصری، رابطه حکمران با رعایا از طریق اعمال مالیات تعریف و نارضایتی اجتماعی سرکوب می‌گردید. تامین نیروهای جنگی برای حکومت مرکزی و گردآوری مالیات دولتی از وظایف اصلی حکمران انتصابی در قبال شاه بود. رعایا باید یک سوم از محصولات خود را به عنوان بهره مالکانه می‌پرداختند. (مستوفی ۱۳۴۳: ۲۷۴) در زمان قاجار مسئولیت امور مالی، دارایی و مخارج حکومت برعهده «دیوان استیفا» بود که تحت ریاست مستوفی‌الممالک قرار داشت. ۴ ایالت بزرگ ایران در آن دوره شامل آذربایجان، خراسان، فارس و کرمان بودند که در راس امور مالی هر یک از این ایالات یک مستوفی قرار داشت که در تهران مشغول کار بود. حکام ولایات نیز موظف بودند که با کمک ماموران محلی دیوان استیفا، مالیات و سایر درآمدها را گردآوری کنند و بخشی از آن در محل هزینه شده و باقی نیز به خزانه شاهی انتقال داده می‌شد. (کاظم بیگی و حسینی، ۱۳۹۰: ۱۳۱) مالیاتها در این دوره اقسام گوناگون داشت که از مالیات اراضی تا مالیات احشام و گمرک و سرانه و جزیه و... را شامل می‌شد. مهمترین مالیاتی که بر شهرنشینان اعمال می‌شد، مالیات بر دکان و کسب بود. مالیات اصناف به صورت بنیچه‌بندی دریافت می‌شد؛ یعنی در این قسمت پس از آنکه مالیات را کلانتر شهر با همکاری سران اصناف تعیین می‌کردند، آن را بین اصناف مختلف تقسیم می‌نمودند، آن‌گاه رئیس هر صنف مالیات مربوط به صنف خود را بین پیشه‌وران آن صنف تقسیم می‌کرد. میزان مالیات و صنف پس از تعیین آن، بر سندی نوشته می‌شد و کلانتر آن را مهر می‌کرد. (فلور، ۱۳۶۶: ۱۸) رؤسای اصناف مسئول جمع‌آوری مالیات نیز بودند و پس از جمع‌آوری آن را به کدخدای شهر که مأمور دیوان بود، تحویل می‌دادند. این مالیات گاه به صورت سرشمار، یعنی سرانه و گاه بر حسب دارایی پیشه‌وران وصول می‌شد. نانویان و قصابان نیز جزء این اصناف مالیات‌دهنده بودند. این نوع مالیات از مالیات‌هایی انتقالی بود؛ زیرا مؤدی مالیاتی، به علت پرداخت مالیات، قیمت کالای تولیدشده خود را افزایش می‌داد و بدین ترتیب مالیات را به خریدار کالا منتقل می‌کرد؛ درواقع خریدار کالا بود که مالیات آن صنف را

پرداخت می‌کرد. در مورد نانویان و قصابان، این مالیات باعث افزایش قیمت نان و گوشت شد؛ از همین‌رو ناصرالدین‌شاه در ابتدای سلطنت خود با صدور فرمانی این دو صنف را در شهر تهران از پرداخت مالیات معاف کرد و در سال ۱۳۱۳ ق این معافیت مالیاتی را در مورد دو صنف نانوا و قصاب به سراسر کشور تعمیم داد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۴۸)

در این رابطه نیز سند عریضه‌ای از محمدحسین‌خان نامی وجود دارد که برای کاهش مالیات، خدمات پدرش را به قاجارها یادآور شده و به پادشاه نوشته است: «حضرت عبدالعظیم - عارض محمدحسین‌خان ولد مرحوم علی‌خان سرکرده سوار خراسان: از عهد خاقان مغفور ابا غنجه خدمت کرده‌ایم پدرم که هنگام ماموریت مرحوم میرزا محمدخان سپهسالار به خراسان مشغول خدمت بود و آن وقت تصدق خاک پای مبارک شد سیصد تومان و سی خروار از دیوان همایون موجب داشت تماما از میان رفته و چند زوج ملک خراب که سالی صد تومان مالیات را ثبت مانده چون پریشانی و عیالباری فوق طاقت شد به دربار همایون آمده از عدل ملوکانه روح العالمین فداه مستدعی است که با مواجهی در ازای خدمتی مرحمت فرمایند که سرافراز مشغول جان نثاری باشد یا لامحاله بین کل این مالیات مقرری از دیوان عطات غایت شود که از دست نرفتیم. هرکس مالک ملک است باید مالیات حسابی آن را بدهد.» (مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ش ص ۱۰۵)

نمونه دیگر تقاضای حاجی محمدحسن برای برقراری «مستمری موهبتی» است تا بتواند فرزندان سه قلویش را بزرگ کند. نکته جالب اینکه فرد نامبرده بخشی از مستمری را یک بار دریافت کرده بود، اما با آن پول به زیارت رفت و پس از بازگشت، مجدد، تقاضای پرداخت مستمری را کرده است: «حضرت عبدالعظیم - حاجی محمدحسین: چهار سال قبل سه ولد بیک بطن خلاق عالم بدعاگو مرحمت فرمود بعرض خاکپای همایون رساندم دستخط همایون مرحمت گردید که مجدالملک سی تومان مستمری برقرار نمایند چون محل بدست نمی‌آمد بالاخره پانزده تومان بدعاگو دادند و دستخط را گرفتند رفتیم زیارت حالا آمده‌ام استدعا آنکه مقرر شود مستمری موهبتی را بدهند که بتوانم این اطفال را بزرگ کنم.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین‌شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ش ص ۷۶۲)

۵-۳- دعاوی مربوط به آب و حق آبه

آب مورد نیاز مردم طهران عهد ناصری از قنات‌ها تامین می‌شده است که بیشتر آنها وقف بودند. یکی از معروف‌ترین این قنات‌ها، قنات وقفی حاج میرزا علی‌رضا در سرچشمه بوده است که مربوط به زمان فتحعلی‌شاه است. (نجفی، ۱۳۶۴: ۲۲۷) حاج میرزا آقاسی نیز که علاقه‌مند به امور کشاورزی و حفر قنات بود در هر مجالی به این امر می‌پرداخت، از نخستین و معروف‌ترین کارهای او در زمینه آب شرب طهران، کشیدن نهری از رودخانه کرج به یافت آباد بود که بعدها از این آب، از طریق نهر دیگری به طهران آوردند تا محله‌های پایتخت را مشروب سازند. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۱۰۷۵) نحوه توزیع آب در شهر طهران از زمانی که به صورت آبادی کوچکی بود تا زمان ایجاد شبکه لوله‌کشی هیچ تحول عمده‌ای نیافت و بر همان روش کهن توزیع آب به وسیله جوی‌ها و نهرهای موجود در معابر شهری متکی بود. بیشترین دعاوی آب مربوط به باغات و قصبات تهران و نحوه تخصیص «حق آبه» بوده است. در این باره عریضه‌ای وجود دارد که در آن فردی طهرانی از معیرالممالک، به خاطر غصب آب، شکایت نموده و ادعا کرده است که: «در تجریش از ورثه مرحوم معیرالممالک باغی خریدم با دوازده ساعت آب مدتی هم در تصرف من بود معیرالممالک چهار ساعت آب آن را غصب و بعد از چندی رد نمود بعد از رفتن ایشان کسانشان فرستاد ثانیاً تصرف نموده اند استدعا آنکه امر همایون برسیدگی و احقاق حق نافذ کرد.» (مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۲۵)

نمونه دیگر عرایضی که مصداق دعاوی آب است از عریضه اولاد حاجی میناخاتون می‌توان نام برد که از شاهزاده عبدالعظیم فرستاده شده است: «شاهزاده عبدالعظیم - اولاد مرحوم حاجی میناخاتون: یلکه و حاجی آباد که از املاک موروثی جان‌نثاران است از قدیم‌الایام از آب رودخانه مشروب میشده‌اند در صدق این هر دو عرض نوشته از مرحوم حاجی محمدجعفر داریم این اوقات میرزا فضل‌الله و میرزا علی محض حسد و عداوت بیبانه اینکه آب رودخانه اگر از دو قریه معروضه بگذرد بدو قریه دشته و بویاچپی ضرر میرساند خدمت حاجی میرزا محسن که در ارومیه هستند و کلا از وضع اینجاها بیخبرند امر را مشتبه کرده‌اند و ایشانهم خدمت حضرت اجل اکرم نوشته‌اند که این آب بقره مزبوره ضرر میرساند حضرت اجل اکرم هم امر فرمودند آب ما را پر کردند و مبالغ خطیری تاکنون متضرر شده‌ایم استدعا آنکه مقرر فرمایند رسیدگی شود اگر این آب بدو قریه مزبوره ضرر میرساند ما نمیخواهیم والا بیجهت هر روز در مقام اذیت جان‌نثاران برنیاید و آب ملک ما را بگذارند جاری باشد.» (مجموعه

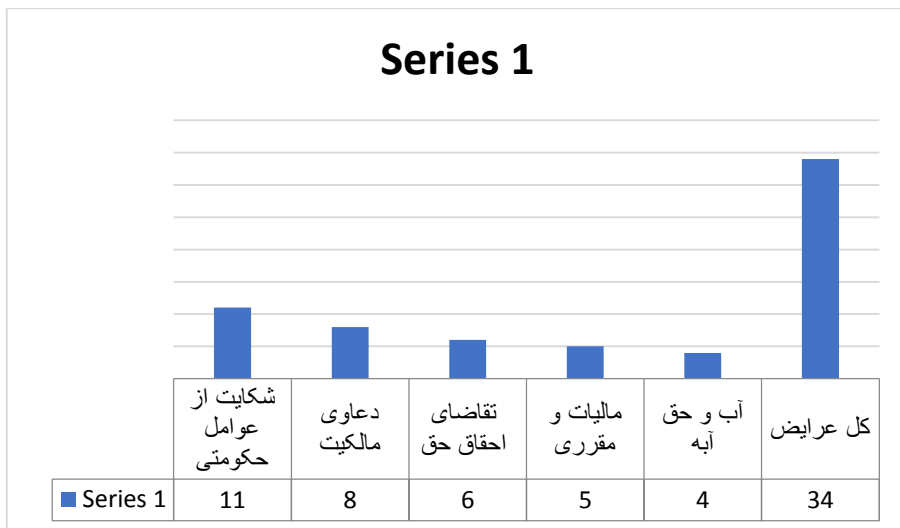
عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲، ص ۵۶۷). اکثر عریضه‌های راجع به آب شامل موارد تصرف یا قطع آب زراعی، تقاضای احداث قنات و لایروبی و نحوه تخصیص حق آبه به باغات و قصبات و خرابی آب انبار بوده‌اند. با توجه به اینکه با وجود اهمیت مشکل آب در حیات و زراعت مردم، میزان شکایات مربوط به آب به نسبت سایر عرایض بیشتر بوده است شاید بتوان نتیجه گرفت نظام مالکیت و بهره برداری از آب که از دیر باز با حفر قنات و چاهها و نظام آبیاری سنتی برقرار بوده است، حداقل در زمان مورد بررسی موفق عمل کرده و کارآمد بوده است.

۴- نتیجه‌گیری

برای انجام این پژوهش محتوای اسناد عرایض مربوط به دوره ناصرالدین شاه و سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۳ ه.ق که تعداد آنها در مجموع ۱۳۵۲ مورد عریضه بود، مورد بررسی قرار گرفت، از مجموع اسناد عرایض بررسی شده ۳۴ مورد یعنی حدود ۲/۵ درصد عرایض مربوط به عریضه‌های مردم طهران بود که عرایض طهران، ری، شمیران، کن، طالقان را در برمی‌گرفت. بررسی این اسناد نشان داد بیشترین مشکلات و مطالبات بیان شده توسط مردم طهران در این دوره شکایت از عاملان و عملجات حکومتی بود، از آنجا که مالیات شهرنشینان نسبت به روستائیان که اکثرا موظف به پرداخت مالیات زمین بودند، ناچیز بود و نیز طهران به سبب شهر بودن کمتر از نواحی دیگر کشور درگیر مساله حق آبه مربوط به زمین ... بود، درصد این عرایض میان مردم طهران نسبت به سایر مناطق مانند آذربایجان و... کمتر است. از طرف دیگر به دلیل وجود حرم حضرت عبدالعظیم در شهر ری و وجود سنت بست‌نشینی در آن زمان، بسیاری از عرایض موجود، عرایض افرادی است که از نقاط مختلف کشور به دارالخلافه آمده و در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشسته‌اند.

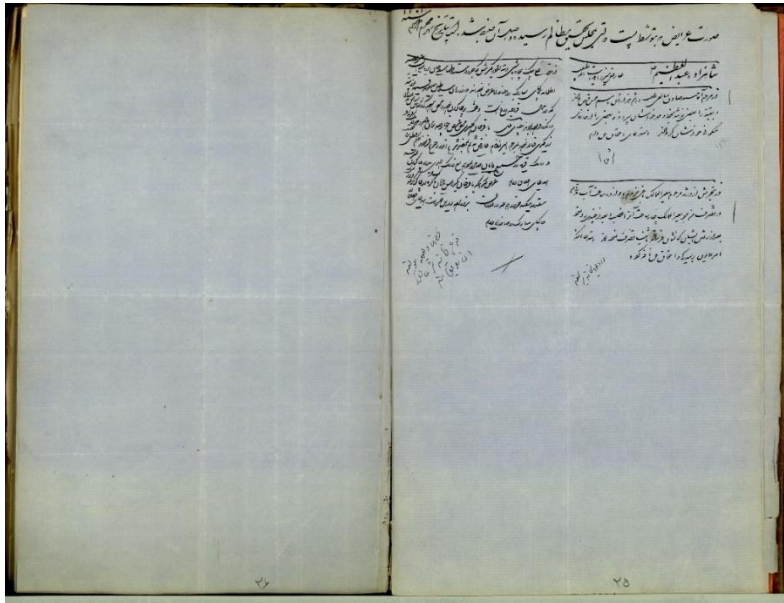
پس از شکایت از عاملان حکومتی بیشترین مشکل مطرح شده در عرایض مربوط به دعاوی مالکیتی بوده است. نتیجه آنکه رعیت، آزادانه و با کمترین ترسی، مطالبات و مسائل خود را با شخص اول مملکت مطرح می‌کرده است. داده‌های عرایض نشان می‌دهد که گروه‌های مختلف اجتماعی، عموماً، از آزادی بیان و آزادی‌های مذهبی برخوردار بودند و در این زمینه، عموماً، دغدغه یا نگرانی وجود نداشته است. حفظ امنیت و برپایی عدالت، همچون گذشته تاریخ ایران، حلقه مفقوده دوره مورد

بررسی بوده است؛ با این تفاوت که شخص شاه، شخصا و رأساً، درصدد حل مسائل و مشکلات گروه‌ها و طبقات اجتماعی ممالک محروسه ایران برآمد.

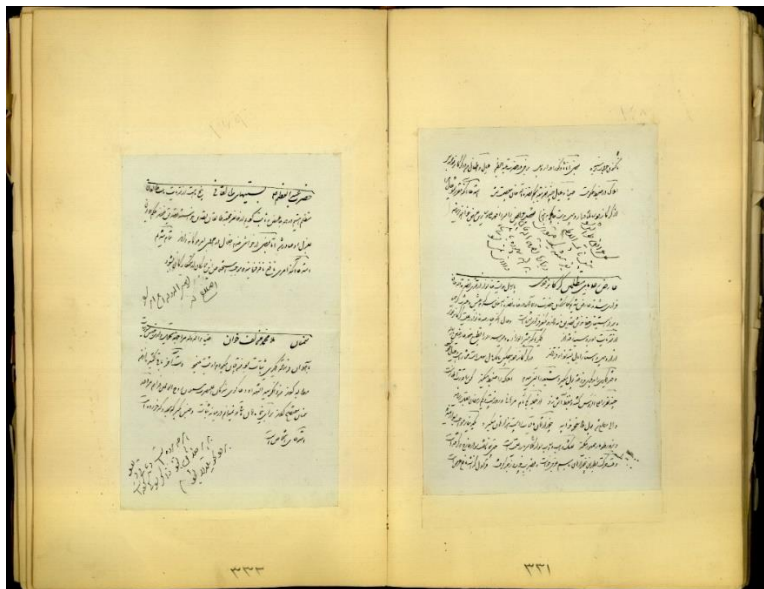


نمودار مشکلات مطرح شده مردم طهران در اسناد عرایض (۱۳۰۱-۱۳۰۳ ه.ق)

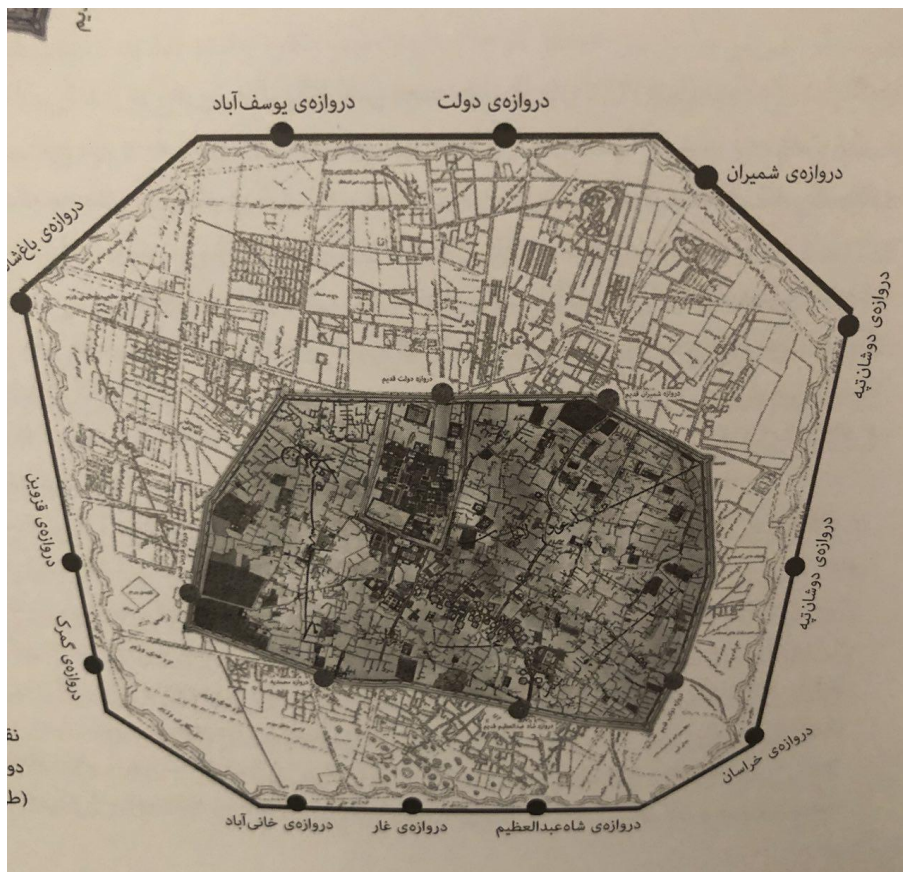
نمونه اسناد عرایض



سند شماره ۱



سند شماره ۲



نقشه دارالخلافة طهران در عصر ناصری (منبع: نجمی، ص ۲۳)

کتابنامه

الف) سند:

مخزن خطی کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، مجموعه عرایض، نامه‌ها و دستورات ناصرالدین شاه قاجار، شماره نسخه ۱۳۰۸۷، شماره ثبت ۷۶۵۰۲.

ب) کتاب

آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، **افکار اجتماعی سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار**. تهران: آگاه.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن (۱۳۶۸)، **مرآت البلدان ناصری**. تهران: دانشگاه تهران.

انوری، حسن و جمیله اخیانی (۱۳۸۱)، **فرهنگ بزرگ سخن**. تصحیح کمال اجتماعی جندقی. تهران: سخن.

بلاغی، عبداللحجت (۱۳۸۶)، **گزیده تاریخ تهران**. تهران: مازیار.

بیانی، خان بابا (۱۳۷۵)، **پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری**. تهران: علم.

پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۱)، **سفرنامه: ایران و ایرانیان**. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: خوارزمی.

جواهرکلام، عبدالعزیز (۱۳۵۷)، **تاریخ طهران**. تهران: منوچهری.

دامغانی، محمد تقی (بی تا)، **صد سال پیش از این**. بی جا: بی نا.

ذکاء، یحیی (۱۳۴۹)، **تاریخچه ساختمان های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان**. تهران: انجمن آثار ملی ایران.

سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۲)، **نظم و نظمیه در دوره قاجاریه**. تهران: یساولی.

سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۹)، **تهران درآیین زمان**. تهران: اقبال.

عبدامین، مجید (۱۳۷۹)، **نامه هایی به ناصرالدین شاه: مجموعه ای از عرایض به امین**

السلطان میان سال های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق. تهران: سخن.

کاتوزیان، محمدعلی (تهرانی) (۱۳۸۹)، **تاریخ انقلاب مشروطیت ایران**. تهران: انتشار چ ۲.

کریمان، حسین (۲۵۳۵)، **تهران در گذشته و حال**. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

فلور، ویلم (۱۳۶۶)، **جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار**. ترجمه ابوالقاسم سری. ج

۱. تهران: توس.

مستوفی، عبدالله (۱۳۶۰)، **شرح زندگانی من** یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. بی جا: زوار.

معیرالممالک، دوستعلی خان (۱۳۶۴)، **یادداشت هائی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه**. تهران: نشر تاریخ ایران.

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۸۹)، **روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه**. تصحیح و ویرایش عبدالحسن نوایی و الهام ملک زاده. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

نجمی، ناصر (۱۳۶۴)، **طهران عهد ناصری**. تهران: عطار.

نوربخش، مسعود (۱۳۸۱)، **تهران به روایت تاریخ**. ج ۲. تهران: نشر علم.

هدایت، رضا قلی (۱۳۸۵)، **تاریخ روضه الصفا ناصری**. تصحیح جمشید کیان فر. تهران: اساطیر.

یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۴۷)، **برگزیده مشترک یاقوت حموی**. ترجمه محمد پروین گنابادی. تهران: ابن سینا.

ج) مقاله

شاهدی، مظفر (۱۳۷۶). «املاک خالصه و سیاست فروش آن در دوره ناصری». **تاریخ معاصر ایران**. س ۱، ش ۳، ۴۹-۷۰.

کاظم بیگی، محمدعلی و سیدمصطفی حسینی (۱۳۹۰). «مالیات و هزینه‌های ولایات کتابچه دستورالعمل جمع و خرج بسطام و شاهرود»، **تاریخ و تمدن اسلامی**. س ۷، ش ۱۳، ص ۱۲۹-۱۶۴.

منظور الاجداد، محمدحسین (۱۳۶۸). **نگاهی گذرا به وضعیت بهداشت و بهداری در زمان ناصرالدین شاه قاجار**. تهران: **گنجینه**، دفتر دوم به مناسبت دویستمین سال مرکزیت، تهران: زمستان.

Issues and demands of the people of Tehran in the petitions of the Nasserite era (1301-1303 AH)

Maryam Nil ghar, Sina Ferozesh, Reza Shabani Samgh abadi

Abstract

The study of social structures in Iran in each period is of particular importance. In the meantime, access to documents is one of the most effective research methods to achieve the facts of any time. The line deals with the social life of the people, it has a special privilege for researchers. The aim of this study is to identify the social problems and issues of the people of Tehran during the nearly three years of the reign of Nasser al-Din Shah Qajar, which is reflected in the petitions; These documents include the petitions of the people of Tehran between 1301 and 1303 AH. The research method in this research is to correct the linear set based on the science of codicology and then write an article based on the corrected version based on the historical (inductive) method. The method of compiling and writing the article is also descriptive-analytical. Information and data were extracted in the form of libraries and documents. Examination of these documents shows that the peasants, freely and with the least fear, raised their demands and issues with the first person of the country. The petition data show that different social groups generally enjoyed freedom of expression and religious freedom, and there was no concern or concern in this regard. Maintaining security and establishing justice, as in the past in the history of Iran, has been a missing link in the period under review; With the difference that the Shah himself, personally and directly, has tried to solve the problems of the groups and social classes of the forbidden countries of Iran.

Keywords: Tehran, petition, Nasser al-Din Shah, issues, social demands.

